

# فساد مالی در تاریخ معاصر ایران

حسن دادگر

فساد مالی دولت‌ها و حکومت‌ها در زمره اندوهناک‌ترین فرازهای مطالعات مربوط به تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی است و متأسفانه حجم زیادی از رویدادهای مربوط به تاریخ معاصر ایران با زمینه‌ها و بسترها و لایه‌ها و نمایه‌های شرم‌آوری از انواع فساد مالی دولتی و طبقاتی در آمیخته است.

اختاپوس فساد مالی در تاریخ معاصر ایران نه تنها قهرمانان ملی بزرگی چون میرزا تقی خان امیرکبیر را قربانی ساخته بلکه با پریشان ساختن رشته‌های اقتصاد و فرهنگ و سیاست ملی، ملت و سرزمین ایران را در چمبره هزارگونه محنت و ابتلا فرو برده که متأسفانه ریشه‌ها و شاخه‌های آن هنوز هم بر جای مانده است. اکنون که بزرگترین هدف و نیاز سفینه‌النجاة انقلاب اسلامی مبارزه با فساد اقتصادی و مالی و اداری عنوان می‌شود، هر گونه تحقیق و تالیف و جد و جهدی که در این زمینه از سوی آگاهان و نخبگان مردم انجام می‌شود قابل توجه و تامل است. به همین خاطر مقاله حاضر را به عنوان گوشه‌ای از این بایسته‌ها تقدیم حضورتان می‌کنیم.

## چکیده

هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و استفاده نامشروع از اختیارات و قدرت به منظور بهره‌وری از امکانات مالی برای کسب منافع شخصی، فساد مالی نام دارد؛ فساد مالی دارای مصادیق بسیاری از جمله اختلاس، رشوه، اخاذی، رانت‌های اقتصادی برداشت و دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی، تقلب، کم‌کاری و... است. این فساد یا تشکیل حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی مطرح گردید و همواره تهدیدی جدی برای جامعه و منافع عمومی به شمار می‌رود.

کشور اسلامی ما - ایران - نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و در اعصار مختلف با این مساله مواجه بوده است؛ اما مهم این است که فساد به چه دلیلی شیوع یافته‌اند و عاملان آن چه کسانی بوده‌اند. ایران معاصر پیوسته از فساد برخی رجال حکومتی در عصر قاجار و یا پهلوی اول و دوم رنج برده است. خاندان رژیم سابق و حتی شخص شاه بارها اقدام‌های ناسالمی انجام داده‌اند که در کارنامه رژیم سلطنتی ثبت گردیده است. به جرات می‌توان فساد مالی حکومت پهلوی را یکی از دلایل شکل‌گیری نهضت انقلاب اسلامی دانست. صاحب‌نظران داخلی و خارجی نیز بر این مطلب تأکید بسیار دارند. رژیم سابق داعیه مبارزه با فساد مالی را داشت در حالی که خود به شدت در آن غوطه‌ور بود. اسراف، تجمل، دزدی، رشوه و در یک کلام فساد خاندان سلطنتی و مقامات بلند پایه جامعه آن روز؛ دلیل اصلی بحران موجود در کشور به شمار می‌رفت. این مقاله مروری تاریخی بر بروز و شیوع فساد مالی در ایران معاصر دارد. در آغاز مقدمه‌ای از کلیت بحث ارائه می‌شود و سپس به، فساد مالی عصر قاجار، پهلوی اول و دوم، خاندان یهودی و دولت‌های رژیم سابق پرداخته می‌شود. در پایان نیز به علل وجود

فساد مالی در ایران پس از انقلاب توجه خواهیم کرد. مقدمه

ایران در تاریخ معاصر خود شاهد فساد مالی بسیاری بوده است؛ حکومت‌های فاسد و مستبد، با سوءاستفاده‌های مالی هر آنچه خواستند با ملت ایران کردند. مقام و مسوولیت، ثروت کلانی به همراه داشت و بسیاری با دادن رشوه، به مقام‌های دولتی و حکومتی دست یافتند و بدین ترتیب، مسیر فساد و بهره‌برداری‌های انتفاعی را در جهت منافع شخصی پیمودند.

عامل اصلی اعتراضات مردمی و بزرگان دینی چه در عصر قاجار و چه در حکومت رضاخان و پهلوی دوم، ساختار استبدادی و فساد مالی، به همراه اختناق و فساد اخلاقی بود.<sup>۱</sup> از طرفی، بحران‌های اقتصادی به وجود آمده در تاریخ گذشته ایران، ناشی از فساد طبقه حاکم، چپاول ثروت‌های ملی و عمومی و همچنین وجود مقامات بلند پایه حکومتی و دولت‌های فاسد بوده است.<sup>۲</sup> صاحب‌نظران خارجی و اندیشمندان بسیاری بر این مطلب تأکید دارند.<sup>۳</sup> فساد و رشوه‌خواری مقامات و اعضای خاندان سلطنتی به شدت با ارزش‌ها و عادت‌های اجتماعی طبقات متوسط و پایین جامعه سنتی ایران در تعارض بود که منجر به همین دوگانگی شدید طبقاتی گردید. به عنوان مثال، ملت ایران در سال‌های ۵۴-۱۳۵۲، از خود شاه شنیده بودند که درآمدهای نفتی کشور سه و یا چهار برابر شده است. بر همین اساس آنان سوال می‌کردند که چرا دچار فقر و بحران اقتصادی شده‌اند و آن همه ثروت به یکباره چه شد و کجا رفت؟ از آن جا که رشوه‌خواری و فساد مالی برخی از اعضای خاندان سلطنتی، شخص شاه و دولت‌های به قدرت رسیده بر همگان آشکار بود، جامعه آگاه ایران با دیده شک، تردید و انزجار به رژیم نگاه می‌کرد و این وضعیت برای آنان تحمل‌ناپذیر بود.

دامنه فساد آنقدر گسترش یافته بود که یکی از خبرنگاران خارجی با اشاره به جریان مبارزه با فساد در ایران نوشته بود «این کار، غیرممکن به نظر می‌رسد، چرا که پای همه به نحوی گیراست.»<sup>۴</sup> دامنه فساد و سوءاستفاده‌های مالی اطرافیان شاه و صاحبان نفوذ و قدرت در حکومت‌های گذشته و به‌ویژه در دستگاه پهلوی آنقدر وسیع و گسترده بود که از دید پژوهشگران خارجی نیز به دور نمانده است؛ آنها بیشترین موارد فساد مالی را مربوط به خانواده پهلوی و دربار شاه می‌دانند.<sup>۵</sup> چه بسیار سوءاستفاده‌هایی که توسط یک وزیر یا مقام بالای مملکتی صورت می‌گرفت و به راحتی از آن می‌گذشتند، در حالی که یک کارمند ساده با دریافت مختصر رشوه‌ای محاکمه و زندانی می‌شد.<sup>۶</sup>

با این مقدمه کوتاه و اجمالی از وضعیت کلی جامعه ایران در رژیم سابق، اشارات مفصلی نیز به وضعیت جامعه ایران از منظر شیوع فساد مالی در عصر قاجار، دوران حکومت رضاخان و پهلوی دوم خواهیم داشت.

## فساد مالی در عصر قاجار

ایران چه در عصر قاجار و چه قبل از آن ضربه‌های بسیاری از فساد مالی و عواقب آن مانند فقر و تبعیض خورده است.<sup>۷</sup> قراردادهای ترک‌مانچای، گلستان، تالوت، داری و تشکیلات فراماسونری، کاپیتولاسیون و

## دست یازی به اموال عمومی و حیف و میل بیت المال، در راه خوشگذرانی و عشرت شاهان قاجار دنبال می گردید

در تاریخ آمده است: «اداره سیصد شغل سطح بالای مملکتی فقط در اختیار ۷۰ الی ۸۰ نفر از سیاستمداران قدیمی و بانفوذ بود که به جز چند مورد، سن همه آنها از ۵۰ و یا ۶۰ سال بیشتر بود.»

بختیار به تنهایی حدود ۶۰ میلیون تومان از هزینه سری نخست وزیر را به نفع خود برداشت کرده و تنها ۱۰ میلیون تومان را بابت باخت های خود در قمار پرداخته بود

انقلاب سفید، همه به نوعی باج دادن به بیگانگان و سوءاستفاده های مالی توسط ایادی ناخالی و خارجی بوده است که گوشه هایی از فساد مالی را نشان می دهد. در این میان مبارزان بسیاری بودند که در راستای مبارزه با مفاسد مالی و خلاصی کشور از این معضل، جان خود را از دست دادند؛ امیرکبیر از سردمداران چنان مبارزانی بود و تاریخ گواه آن است که چه بر سر او آوردند. داستان به قتل رسیدن امیرکبیر حکایت از نارضایتی عاملان فساد در دستگاه حکومتی ناصرالدین شاه دارد؛ چرا که اقدامات اصلاحی او باعث قطع دست درازی های بسیاری بر اموال عمومی و بیت المال گردید. بعدها نیز آیت الله کاشانی، مصدق، مدرس، حضرت امام (ره) از دیگر بزرگانی بودند که به مبارزه علیه فساد دستگاه حاکمه پرداختند. سلاطین قاجار جملگی مرتکب اعمال فاسدآلودی بودند که هر یک به نوعی پرده از چهره فاسد آنان برمی داشت. در تاریخ آمده که آغامحمدخان قاجار برای به دست آوردن جواهرات نادری دست به جنایت های بسیاری در خراسان زد؛ از جمله این که حاکم خراسان را در فجیع ترین شکلی به قتل رساند.<sup>۸</sup> دست اندازی به بیت المال، باج گیری و نیز سوءاستفاده های مالی به وفور وجود داشت. بیشتر ماموران دولتی حاضر به گرفتن رشوه بودند و حاکمان محلی نیز به این امر مبادرت داشته و به ثروت اندوزی مشغول بودند. آنها در نخستین فرصت، مبالغی را که برای خرید مقام خود پرداخته بودند، از مردم طلب می کردند.<sup>۹</sup> در این دوران برخی افراد با پرداخت رشوه به القاب خاصی منتسب می شدند که هرگز شایسته آن نبودند.<sup>۱۰</sup> این القاب حتی به اشخاص غیرمعیز نیز داده می شد.<sup>۱۱</sup>

چنین وضعیتی در دوران سلطنت مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه قاجار نیز وجود داشت؛ حاکمان قاجار برای پرشدن خزانه دولت، هر ساله حکام ایالات را تغییر می دادند و از این انتصابات رشوه های فراوانی می گرفتند. حاکمان محلی نیز کارهای اداری را به اشخاص متمول می فروختند و از این راه بر اموال عمومی قیومیت داشته و چپاول های بسیار می کردند.<sup>۱۲</sup>

در پایان این بحث یادآوری این نکته ضروری به نظر می رسد که دست یازی به اموال عمومی و حیف و میل بیت المال، در راه خوشگذرانی و عشرت شاهان قاجار صرف می گردید. شهوت رانی ناصرالدین شاه از نمونه این چپاول ها است. بنا به قولی روزی که او کشته شد هشتاد و پنج زن داشت که زن های درجه اول ماهی ۷۵۰ تومان، درجه دوم بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ تومان و درجه سوم بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان از خزانه دولت پول می گرفتند؛ حقوق دخترهای بزرگ شاه نیز تا ۴۰۰ تومان بود و کسی هم حق اعتراض نداشت.<sup>۱۳</sup> این است نمونه هایی از وضعیت کشور ما در عصر قاجار که چگونه سلاطین و حاکمان دولتی و محلی به راحتی مرتکب اعمال فاسدی می شدند. با کودتای رضاخان عمر حکومت قاجار به پایان می رسد و دوران استبدادی رضاخان و حکومت پهلوی با ویژگی های خاص خود آغاز می گردد.

### فساد مالی رضاخان، پهلوی اول

در زمان رضاخان ارتکاب اعمال فاسد نیز نه تنها کم نشد، بلکه بیشتر از قبل نیز صورت گرفت و حتی با استبداد و اختناق بیشتری هم شایع گردید. درخصوص شخصیت رضاخان در تاریخ ایران آمده است: «وقتی او

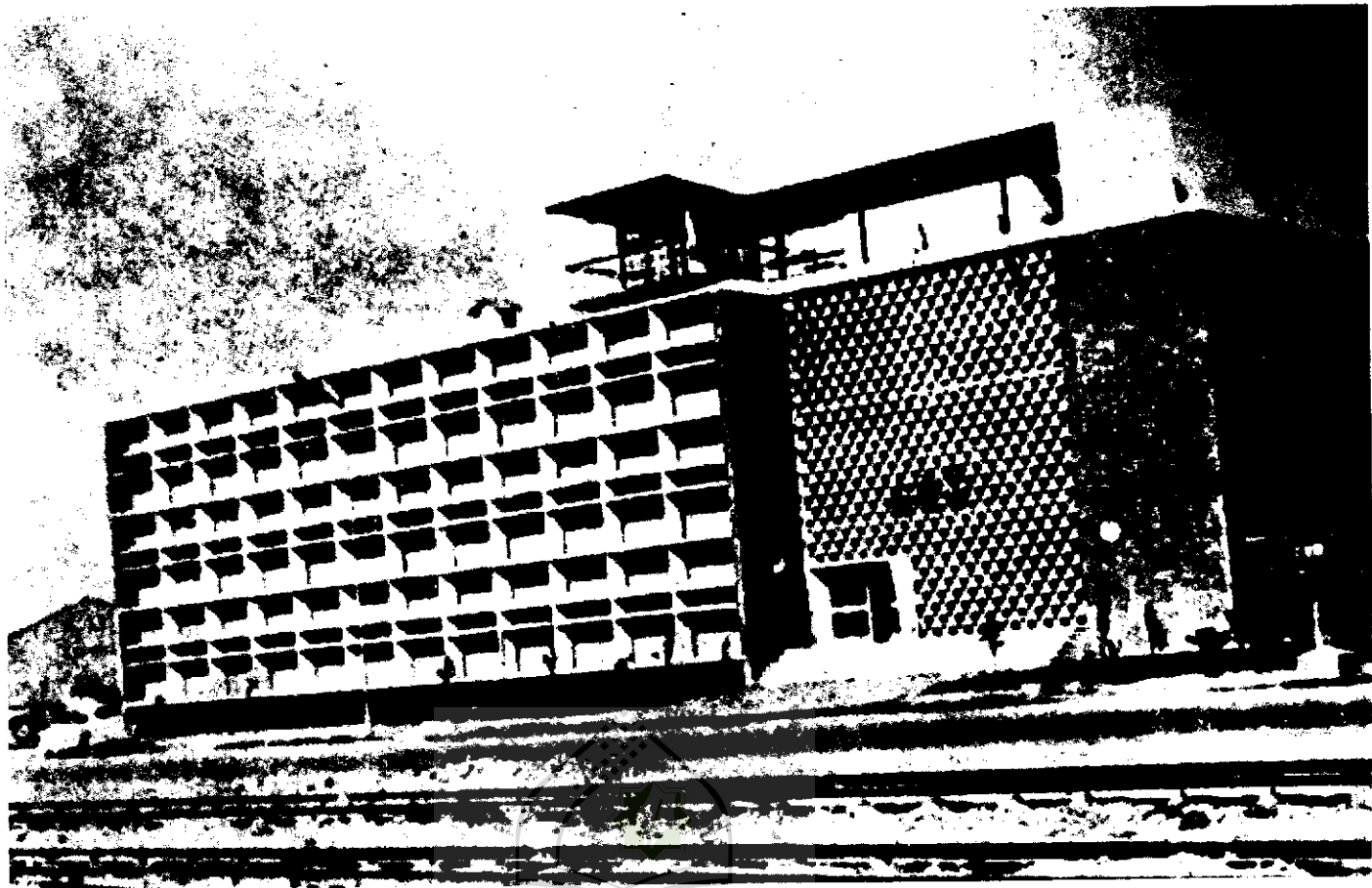
در سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتا کرد و در سال ۱۳۰۴ به سلطنت رسید، نه ملکی داشت، نه کارخانه و نه دارایی قابل ذکری، و در سال ۱۳۲۰ املاک سلطنتی او حدود دو هزار ملک شش دانگ برآورد شد که از راه های مفسده آمیزی چون غصب، خرید به اجبار و چپاول به دست آمده بود.»<sup>۱۴</sup> در آن زمان رضاشاه با تصرف اموال و املاک مردم، بزرگترین مالک ایران شده بود و تمام چرخ های حیاتی کشور را در جهت منافع شخصی خود به حرکت درمی آورد. مرگ در انتظار کسانی بود که حاضر نبودند املاک خود را تقدیم شاه کنند.<sup>۱۵</sup>

در تاریخ آمده است که او باج های هنگفتی می گرفت و در حالی که طبقه سرمایه دار، تجار، انحصارگرو مقربان سیاسی را غنی می کرد، تورم و مالیات های سنگین و سوءاستفاده ها و مفاسد مالی، سطح زندگی مردم را کاهش می داد. جنون ثروت، رضاخان را آنقدر از خود بی خود کرده بود که تنها به غصب املاک مردم، برقراری انحصارات و کارخانه داری ختم نمی شد، بلکه اعتبارات و بودجه مملکتی و به ویژه درآمد کشور از نفقه بدون هیچ حساب و کتابی در اختیار شخص شاه بود و او به میل و اراده خود از آن برداشت نموده و حیف و میل می کرد.

فساد مالی شخص رضاخان و مفاسد بی شمار مقامات بلندپایه باعث گردید، تصدی مشاغل و پست های بالای دولتی و حکومتی تنها در دست عده ای محدود جابه جا شود. در تاریخ آمده است: «اداره سیصد شغل سطح بالای مملکتی فقط در اختیار ۷۰ الی ۸۰ نفر از سیاستمداران قدیمی و بانفوذ بود که به جز چند مورد، سن همه آنها از ۵۰ و یا ۶۰ سال بیشتر بود.»<sup>۱۶</sup> چنین وضعیتی در طول سلطنت رضاخان به وفور دیده می شد؛ استبداد، فقر، تبعیض و بحران های اقتصادی بر شدت و خاصیت شیوع مفاسد مالی افزوده بود.

### فساد مالی در رژیم پهلوی دوم

بعد از روی کار آمدن محمدرضا اوضاع جامعه از نظر شیوع فساد مالی بدتر شد. چرا که فساد در آن زمان تنها به رضاخان و اطرافیان بانفوذ او محدود می شد، اما در دوران سلطنت پهلوی دوم، از شخص شاه گرفته تا خاندان و فامیل او و نیز دولت های بر سر کار آمده و وابستگان آنها، همگی به چپاول اموال عمومی، رشوه خواری و اخاذی مشغول بودند. به طوری که این میزان گسترده گی، باعث شکل گیری اعتراضات داخلی و خارجی گردید و حاکمیت را با بحران مشروعیت مواجه کرد. این مساله به عنوان یک موضوع ملی مطرح بود چرا که به قولی «در رژیم گذشته فسادهای زیر ۱۰۰ میلیون تومان را مباح می شمردند.»<sup>۱۷</sup> از آن جا که خود دولت نیز فاسد بود، نمی توانست در مقابل فساد مقامات و صاحبان قدرت و نفوذکاری انجام دهد و وقتی دولتمردان ادعای مبارزه با فساد مالی را می کردند، به سراغ چند تاجر، بازاری و یا کارمند دون پایه رفته و آنها را محاکمه می کردند و خود را حامی جامعه ای بدون مفاسد مالی می دانستند. در سال های که نفت به قیمت خوبی فروش می رفت، فساد در نورچشمی ها بسیار زیاد می شد و وقتی قیمت نفت پایین می آمد، بحران اقتصادی، فقر مزمن، مهاجرت روستاییان، تبعیض و شکاف طبقاتی و هزار و یک معضل دیگر در جامعه شیوع پیدا می کرد؛ این موضوع نتیجه سیاست های غلط و سوءاستفاده های مالی کلان



## رضاشاه با تصرف اموال و املاک مردم، بزرگترین مالک ایران شده بود و تمام چرخ‌های حیاتی کشور را در جهت منافع شخصی خود به حرکت درمی‌آورد. مرگ در انتظار کسانی بود که حاضر نبودند املاک خود را تقدیم شاه کنند

رشوه‌های کلانی دریافت می‌کردند.<sup>۲۰</sup> با این وجود شاه بارها ادعای مبارزه با فساد را داشت و بر خشکاندن ریشه رشوه‌خواری و مفاسد در ایران تاکید می‌کرد حتی در اصل نوزدهم انقلاب سفید، مبارزه با فساد مالی را گنجانده بود و گاهی اوقات اصل «از کجا آورده‌ای» را در مجلس یا دولت بر سر زبان‌ها می‌آنداخت، هر چند مردم می‌دانستند عامل اصلی خود اوست و شرط اول مبارزه پاکسازی دربار می‌باشد. خوشگذرانی‌ها، مجالس عیش و نوش و نحوه برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، همگی ادعای دروغین شاه را نمایان می‌کردند. شاه برای تبلیغات رییس‌جمهوری آمریکا - برای آن‌که بعدها حامی او باشد - مخارج هنگفتی پرداخت می‌کرد که تمام این هزینه‌ها از بودجه عمومی و خزانه پرداخت می‌گردید. جالب اینجاست که اگر شخص مورد نظر، رییس‌جمهور نمی‌شد، تا مدت‌ها روابط خصمانه‌ای وجود داشت مگر این‌که امتیازات و رشوه‌های خاصی از سوی شاه و دولت ایران داده می‌شد تا روابط به حال عادی بازگردد. نمونه‌ای از این مساله در سال ۱۳۵۵ اتفاق افتاد که دلارهای نفتی بسیاری از ایران برای ستاد انتخاباتی رییس‌جمهور آمریکا هزینه شد.<sup>۲۱</sup>

### فساد مالی خاندان پهلوی

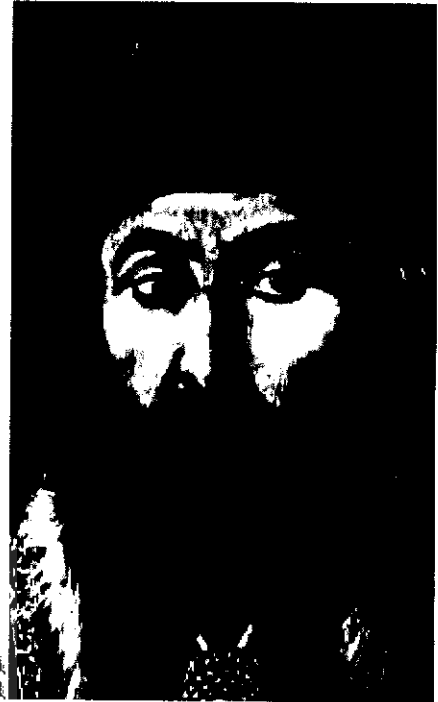
رشوه‌خواری، تصرف اموال و املاک عمومی، قاچاق مواد مخدر، قمار و عیاشی تنها گوشه‌ای از ویژگی‌های خاندان فاسد پهلوی دوم است. به گفته یک منبع موثق غربی، در چند سال آخر حکومت رژیم پهلوی، مبالغ هنگفتی - بالغ بر ۲ میلیارد دلار - از درآمدهای

و نیز برداشت‌ها و حیف و میل‌های بی‌حساب و کتاب ثروت عمومی بود. در ادامه به تفصیل و به صورت موردی، مفاسد شخص شاه، درباریان و خاندان پهلوی و دولت‌های بر سر کار آمده را مرور می‌کنیم.

### محمد رضا پهلوی عامل اصلی مفاسد مالی در کشور

شاه به زعم خود بودجه کشور را تقریر می‌کرد، برداشت‌ها و حیف و میل‌های او از خزانه عمومی اورنکردنی است. یکی از این هزینه‌های عجیب، مخارجی بود که او به مشوقه‌های خود می‌داد، وی رای مسکوت ماندن قضیه روابط نامشروع خود، شوه‌های کلانی به زنان بسیاری می‌پرداخت؛ بیشتر این رشوه‌ها جواهرات قیمتی بودند که تنها با یک شاره از خزانه پرداخته می‌شدند.<sup>۱۸</sup> همچنین خرید ناخ‌ها، ملک، زمین و اتومبیل، سرمایه‌گذاری در خارج کشور، سفرهای خارجی و... همه از ثروت عمومی و خزانه مملکتی هزینه می‌گردید.

شخص شاه در بسیاری از معاملات انجام شده با شرکت‌های اسلحه‌سازی آمریکایی رشوه می‌گرفت. بن شرکت‌ها برای جلب توجه وی به منظور خرید از آنها، رشوه‌های کلانی می‌پرداختند: «خود شاه تنها در یک معامله با شرکت‌های اسلحه‌سازی آمریکایی حدود ۲/۱ میلیارد دلار رشوه گرفته بود.»<sup>۱۹</sup> در بررسی روندهای مربوط به فروش جنگ‌افزار و تسلیحات به ران موارد بسیاری در این خصوص وجود دارد که نه تنها دولت‌های به قدرت رسیده، بلکه اعضای خاندان ملطنتی و شخص شاه از شرکت‌های مربوط



نفی به طور مستقیم به حساب بانکی متعلق به اعضای خانواده سلطنتی در خارج از کشور واریز می شد که این انتقالات هرگز در خزانه کشور ثبت نگردید.<sup>۲۱</sup> این خاندان با چپاول و بلعیدن ثروت زمینداران و ملاکین و متلاشی کردن نیروهای اقتصادی - اجتماعی، به درآمدهای غیرمالی خود افزودند و درآمدهای ریالی را نیز به حساب های خود در خارج از کشور منتقل می کردند. خزانه مملکتی؛ حساب شخصی شاه، اطرافیان و خاندان پهلوی بود و پرداخت ها به دلایل مختلفی صورت می گرفت. بر طبق مستندات تاریخی، خانواده پهلوی در اوایل دهه ۱۳۵۰ ثروتمندترین خانواده سوداگر ایران بودند؛ شراکت هر یک از افراد این خانواده در کارخانه های ساخت ماشین آلات، مجتمع های اتومبیل سازی، تولیدات ساختمانی و ساختمان سازی، شرکت های معدنی و کارخانجات نساجی امری بدیهی بود. بیشتر دارایی ها نیز توسط «بنیاد پهلوی» مدیریت و اداره می شد؛ این بنیاد در سال ۱۳۳۷ تاسیس گردید تا به ظاهر امور بشردوستانه و خیرخواهانه را سامان دهد. در اواخر دهه ۱۳۵۰ دارایی بنیاد بالغ بر ۲/۸ میلیارد دلار می شد که در زمینه املاک، بازرگانی، بانکداری، ساخت اتومبیل و... سرمایه گذاری گردید، دارایی شاه در این بنیاد حدود ۱۲۵ میلیون دلار بود. برآورد شده که خاندان سلطنتی ۵ درصد کل سرمایه ثابت ناخالص کشور را در برنامه پنجم به صورت بخش خصوصی داخلی سرمایه گذاری کرده بودند.<sup>۲۲</sup>

این وضعیت اقتصادی در جامعه باعث شکل گیری انحصار خاصی شده بود که بخش بزرگی از آن در دست خاندان پهلوی بود و با وجود انحصارات در اقتصاد داخلی، دیگر کسی را یاری رقابت با آنها نبود. از طرفی بنیاد پهلوی سالانه بالغ بر ۴۰ میلیون دلار یارانه می گرفت و تنها در سال ۱۳۵۶، سهام ۲۰۷ شرکت شامل ۸ شرکت معدنی، ۱۰ کارخانه سیمان، ۱۷ بانک و شرکت بیمه ای، ۲۳ هتل، ۲۵ کارخانه فلزات، ۲۵ واحد کشت و صنعت و ۴۵ شرکت ساختمانی را در اختیار داشت.<sup>۲۳</sup> این وضعیت اقتصاد کشور را فلج کرده بود، با توجه به این که قشر عظیمی از جامعه به شدت از فقر، تبعیض و شکاف طبقاتی رنج می برد، بحران های اقتصادی روز به روز بر وخامت اوضاع افزوده بود. کسی هم که می خواست سرمایه گذاری کند، در دام انحصارات خاندان سلطنتی افتاده و مضمحل می شد چرا که اجازه کار پیدا نمی کرد؛ به نمونه ای از این موضوع اشاره می کنیم: «از آن جا که شاهپور غلامرضا کارخانه سیمان داشت، نمی گذاشت کسی اجازه تاسیس کارخانه سیمان بگیرد و در نتیجه این مساله بود که مملکت دچار کمبود سیمان شد.»<sup>۲۴</sup>

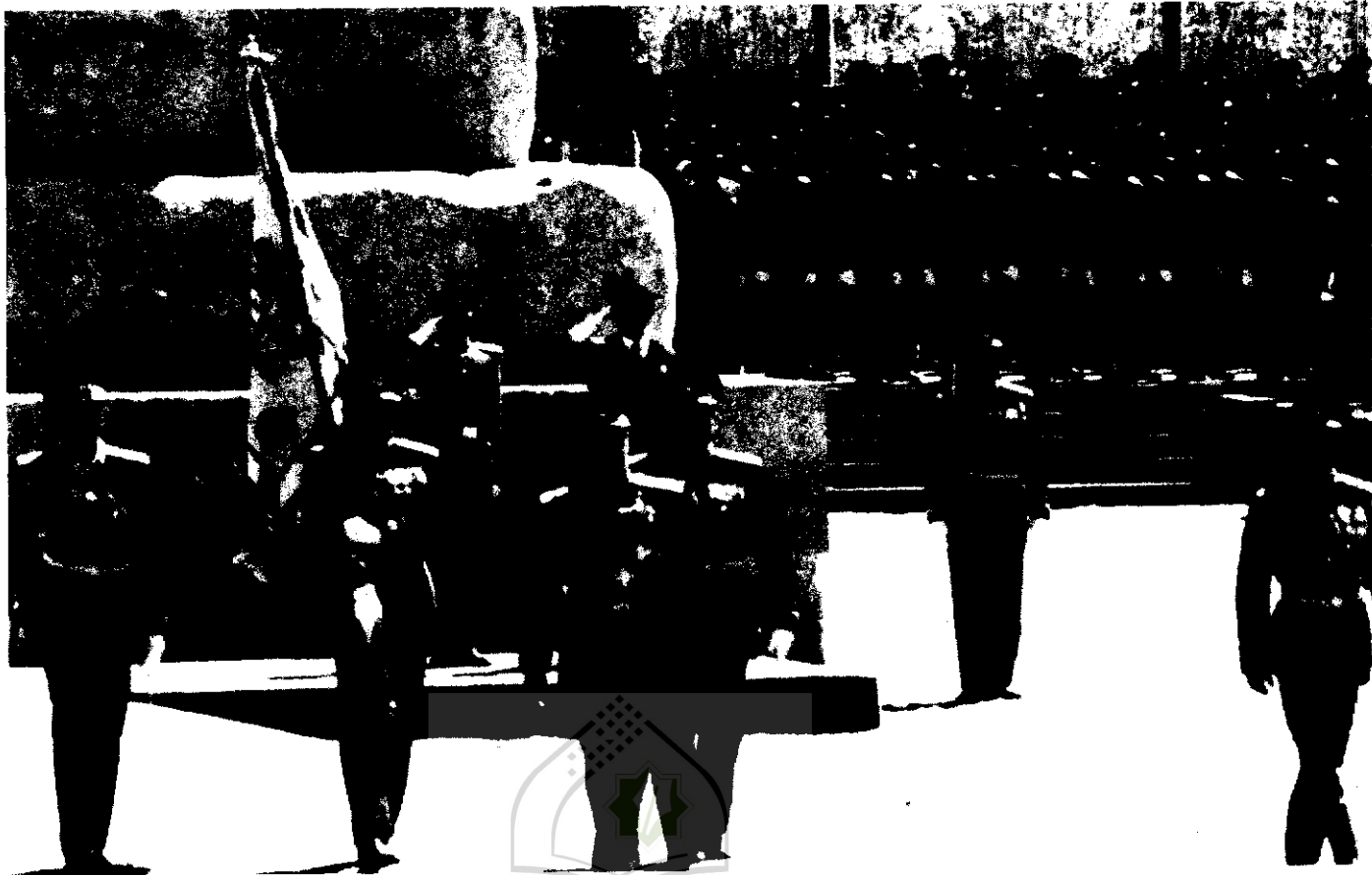
برپایی مجالس عیش و نوش، جشن ها و مهمانی های بسیار و پرخرج از دیگر مواردی بود که هر یک از اعضای خاندان سلطنت و وابستگان به میل خود انجام می دادند. هزینه تمام این مجالس پرخرج که دور از شان ولای انسانی بودند، از بودجه های مملکتی و خزانه عمومی تامین می شدند. به عنوان مثال، مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله را مرور می کنیم؛ این جشن که به مناسبت سالگرد بنیانگذاری نخستین سلسله شاهنشاهی در ایران بر پا گردید به شکل مفتضحانه ای برگزار شد. این جشن تنها برای رهبران

کشورهای خارجی تدارک گردید و به همین خاطر کلیه فعالیت های تدارکاتی آن نیز به خارجیان سپرده شد. جشن ها با بریز و پاش فراوانی برگزار شدند و هزینه یکصد میلیون دلاری آن هم از خزانه مملکتی پرداخت گردید.<sup>۲۵</sup> در مجالس برپا شده اعمال خلاف اخلاق و فاسد جاری بود، تنها برای تزئین و چراغانی شهر تهران حدود هشتاد میلیون تومان هزینه شد؛ در حالی که در جنوب شهر، مردم از شدت قحطی و خشکسالی مجبور بودند اطفال خود را بفروشتند.<sup>۲۶</sup> به همین دلیل جرقه های اعتراض و انزجار از شاه، خاندان سلطنتی و دولت های وابسته شعله ورتر شد. سوء استفاده های مالی، رشوه خواری و فساد مالی در معاملات داخلی و خارجی فراوان بود، به طوری که در طول تاریخ ۲۵۰۰ ساله پادشاهی سابقه نداشت. این مساله تنها مشکل موجود نبود، بلکه اعضای خانواده سلطنتی که از این راه ها ثروت کلانی به دست آورده بودند، به فساد اخلاقی روی آورده بودند، قماربازی، عیاشی و قاچاق مواد مخدر از کارهای معمول آنها بود. فردوست درباره اشرف، خواهر محمدرضا پهلوی نوشته: «قماربازی، قاچاق مواد مخدر و عیاشی که با سوءاستفاده های مالی همراه بود از جمله کارهای روزمره اشرف بود.»<sup>۲۷</sup> دخالت های دربار در امور مربوط به مواد مخدر تنها به اشرف ختم نمی شد، بلکه هر یک به نوعی سهمین بودند و حتی دولت های بر سر کار آمده و برخی از شخصیت های صاحب قدرت نیز به این کار مبادرت داشتند.<sup>۲۸</sup>

نمونه های بسیاری از ارتکاب اعمال فاسد توسط خاندان پهلوی وجود دارد که به عنوان مثال روزنامه کیهان در شهریور و مهرماه سال ۱۳۷۶ طی سلسله مقالاتی با عنوان «دزدان با چراغ» به آنها اشاره کرده است و خاطرات موجود و کتاب های نوشته شده در این زمینه توسط نویسندگان داخلی و خارجی نیز بر این موضوع تاکید دارند. بنابراین وقتی شاه و خاندان پهلوی در فساد مالی غوطه ور هستند، می توان وضع دولت های وابسته را در آن دوران حدس زد و اگر تلاشی برای مبارزه با فساد صورت گرفته به یقین ادعایی دروغ بوده که راه به جایی نمی برد.<sup>۲۹</sup>

### دولت های فاسد در رژیم سابق

فساد مالی وزیران و دولت های بر سر کار آمده در دوران پهلوی دوم زیانزد خاص و عام است. هر دولتی که بر مسند قدرت می نشست، بیشتر از دولت قبلی مرتکب اعمال فاسد می شد و جالب اینجاست که هر دولت و کابینه ای که بر سر کار می آمد، سرلوحه کار خود را مبارزه با فساد قرار می داد و اعلام می کرد: «دولت ها با فساد و در کنار فساد زندگی کرده اند و با عوامل و اسباب فساد در حال سازش دائمی و همزیستی مسالمت آمیز به سر برده اند.»<sup>۳۰</sup> مهمترین و اصلی ترین راه برای سوءاستفاده های مالی و فساد دولت های رژیم، خرید تسلیحات از طریق بودجه نظامی بود. طبق آمار موجود در دهه ۱۹۷۰ ارتش ایران دارای سلاح هایی بود که حتی نیروهای نظامی آمریکا هم به آنها مجهز نبودند و برخی از آنها برای ارتش آمریکا گران تشخیص داده شده بود. بودجه مستقیم وزارت جنگ از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ به میزان ۶۵ میلیارد ریال یعنی چهار برابر بودجه صنعتی و کشاورزی بود؛ کمک های نظامی



**از آن جا که خود دولت نیز فاسد بود، نمی توانست در مقابل فساد مقامات و صاحبان قدرت و نفوذکاری انجام دهد و وقتی دولتمردان ادعای مبارزه با فساد مالی را می کردند، به سراغ چند تاجر، بازاری و یا کارمند دون پایه رفته و آنها را محاکمه می کردند**

اینجاست که کشور در سال های شوک نفتی (۵۴ - ۱۳۵۲) که درآمدهای کلانی به دست آورده بوده به کشورهای مختلف وام می داد و از سویی، به دلایلی وام می گرفت. نکته اینجاست که رژیم با شرایط سنگین و با بهره ۱۲۰ در هزار وام می گرفت و سرمایه ملت و درآمد نفت را با بهره ۶ در هزار به دیگر کشورها وام می داد.<sup>۲۵</sup> پس از این که درآمد نفت و صادرات نفت خام کم شد، مشکلات یکی پس از دیگری جامعه را با بحران مواجه کرد؛ اجرای سیاست های دروازه باز باعث شد که واردات به ۵ برابر صادرات برسد. برای این که ایران نقطه امنی باشد و سپر دفاعی آمریکا در مقابل کمونیست محسوب شود، هزینه های نظامی نیز افزایش یافت. این وضعیت تنها باعث ثروتمندتر شدن عده ای محدود و فقیر شدن قشر عظیمی از جامعه شد.<sup>۲۶</sup> سیاست های فریبکارانه ای از جمله «انقلاب سفید» و «اصلاحات ارضی» نه تنها منافی برای عامه مردم نداشت، بلکه عامل نفاق، تبعیض طبقاتی، فقر و مهاجرت بود. روند جاری در آن زمان به سمت وابستگی اقتصادی و سیاسی به غرب و به خصوص آمریکا حرکت می کرد. به این ترتیب، بخش مهمی از درآمدهای نفتی صرف خرید مواد مصرفی و بخش مهم دیگر آن نیز صرف خرید تسلیحات می شد. آن زمان در اقتصاد ایران ظرفیت سازی نشده بود، به همین دلیل ارتکاب مفاسد مالی و سوء استفاده ها به شدت رواج داشت. نمونه بارز این مساله مدت انتظار کشتی های پهلو گرفته برای تخلیه بار بود؛ چون آمادگی لازم وجود نداشت، ممکن بود تا ۸۰۰ کشتی در صف انتظار برای تخلیه بار خود در نوبت بمانند و حتی

بریکا به ایران باعث گردید ۴۰ درصد از بودجه نفت ه می بایست برای کارهای عمرانی و توسعه تصادی خرج می شد، صرف کسری بودجه ناشی از ظامی کردن کشور شود.<sup>۲۷</sup> ر دولت های انتصابی، مشاغل و پست های دولتی، کومتی و سفارت خانه ای با پرداخت رشوه های لان جابه جا می شد؛ این مشاغل ممکن بود به سانی داده شود که هرگز تخصصی در امور محوله داشتند. نفوذ صاحبان ثروت و قدرت در دولتمردان و یران به جایی رسیده بود که حتی ممکن بود اقتصاد ملکیت را با بحران روبه رو کند. یکی از این نمونه ها ربوط به وقتی است که گل سرخی، وزیر منابع طبیعی د، وی با یکی از تاجر معروف به نام آهنچیان قرار نداشتند هر جا زمین و یا ملک بازرشی یافتند، آن را زو اراضی منابع طبیعی (ملی) معرفی کرده و آن را تملک صاحبش خارج کنند و بعد از خرید ارزان، سین را از ملی بودن خارج کرده، به چند برابر قیمت روشنند و در این میان سود حاصله را بین خود تقسیم ند.<sup>۲۸</sup> مواردی از این دست در تاریخ بسیار به چشم خورد.

بین دولت های بر سر کار آمده، دولت هویدا و کابینه او شترین فساد را مرتکب شده اند؛ قمار، عیاشی و حیف میل درآمدهای نفتی بیش از پیش در این دوران وجود ست. فردوست در مورد اوضاع آن زمان می گوید: «در یچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود.»<sup>۲۹</sup> یافت وام های کلان و بازپرداخت آنها و به ویژه بهره ها - به منظور خود شیرینی - باعث تاراج ثروت ملی و رهای نفتی حاصل از فروش نفت خام شد. جالب

**برپایی مجالس عیش و نوش، جشن ها و مهمانی های بسیار و پرخرج از دیگر مواردی بود که هر یک از اعضای خاندان سلطنت و وابستگان به میل خود انجام می دادند. هزینه تمام این مجالس پرخرج از بودجه های مملکتی و خزانه عمومی تامین می شدند**

**ارتش ایران دارای سلاح هایی بود که حتی نیروهای نظامی امریکا هم به آنها مجهز نبودند و برخی از آنها برای ارتش امریکا گران تشخیص داده شده بود**

**سیاست های فریبکارانه ای از جمله «انقلاب سفید» و «اصلاحات ارضی» نه تنها منافی برای عامه مردم نداشت، بلکه عامل نفاق، تبعیض طبقاتی، فقر و مهاجرت بود**

گفته شده این انتظار گاهی تا ۶ ماه طول می کشید این مساله برای صاحب کشتی مسوولیتی نداشت و اگر کالا فاسدشدنی بود، طبق دستور آن را در دریا می ریختند. فردوست این وضعیت را رویه دایمی توقف کشتی ها در بندرعباس عنوان کرده است.<sup>۳۷</sup> فساد، رشوه خواری و سوءاستفاده های مالی به همراه ترویج عادات اجتماعی غیربومی و ارزش های غیرسننی طبقه حکومتی و دولتمردان باعث تنفر و پریشانی عموم ملت شده بود. این فساد با افزایش شدید قیمت نفت به اوج خود رسید، شاه و دولت دست نشانده همیشه میزان مینعی فساد و رشوه را در میان مقامات ضروری می دانستند و به آن عمل می کردند. این وضعیت برای مردم و روحانیت مردمی غیرقابل تحمل بود؛ بنابراین اعتراضات مردمی و جرقه های انقلاب شعله ورتر شد.

در دورانی که رژیم پهلوی آخرین نفس های حیات خود را می کشید، شاه فرار کرده و کشور را به حال خود واگذاشته بود، هر کس از وابستگان هر آنچه می خواست، می کرد؛ در این دوران کوتاه نیز مفاسد مالی بزرگ و سوءاستفاده های کلانی وجود داشت. از جمله در زمان دولت بختیار که دوره آن کوتاه بود، تلاش برای ارتکاب فساد با سرعت بیشتری صورت گرفت. بختیار به تنهایی حدود ۶۰ میلیون تومان از هزینه سری نخست وزیری را به نفع خود برداشت کرده بود و تنها ۱۰ میلیون تومان را بابت باخت های خود در قمار پرداخته بود.<sup>۳۸</sup>

با این حال، عمر رژیم فاسد پهلوی به سر آمد و این در حالی بود که تا به شدت در فساد فرو رفته بود. مردم دیگر تحمل چنین وضعیتی را نداشتند. رهبری دینی با همت مردم و پشتوانه الهی توانست بساط خاندان پهلوی را برچیند و با پیروزی انقلاب عمر آن را به سر آورد. به یقین یکی از علت های اصلی بروز انقلاب اسلامی و پیروزی شکوهمند آن، وجود مفاسد مالی، رشوه خواری، حیف و میل اموال عمومی و سوءاستفاده های غیرقانونی دولتمردان و مقامات بالای رژیم سابق بود و به طوری که اشاره کردیم، اکثر صاحب نظران و اندیشمندان داخلی و خارجی بر این مساله تاکید دارند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

فساد در رژیم پهلوی به نهایت خود رسیده بود و میلیاردها دلار توسط عمال داخلی و حتی خارجی از طریق اعمال فاسد جابه جا می شد. حتی طبق برآوردی، میزان فساد صورت گرفته بین سال های ۵۵-۱۳۵۲ حدود یک میلیارد دلار بود.<sup>۳۹</sup> این در حالی بود که دولت های داخلی خود را مدعی و حامی مبارزه با فساد مالی و رشوه خواری معرفی می کردند و جالب تر این که دولت امریکا نیز از گستردگی مفاسد مالی در ایران ابراز نگرانی می کرد و کمک های خود را به دولت - تنها به صورت تبلیغات دروغین - کم می کرد؛ در حالی که در فاصله سال های ۵۷-۱۹۵۵ میزان کمک های بلاعوض و وام های دولت امریکا به ایران به طور متوسط در سال حدود ۱۰۰ میلیون دلار بود.<sup>۴۰</sup>

از طرفی در دوران سلطنت پهلوی اول و دوم، به افراد، گروه ها و یا عواملی که بایستی در یک جامعه مدنی به مبارزه علیه مفاسد مالی و رسواگری عاملان آن بپردازند، اجازه فعالیت و ادامه حیات داده نمی شد. در یک جامعه مدنی، مطبوعات یکی از ارکان مبارزه با

مفاسد مالی هستند؛ اما در رژیم پهلوی به جای مبارزه، خود سانسوری می کردند، آنها حق نداشتند انحرافی از رژیم پیدا کنند، سعی می کردند اعمال رژیم را توجیه کرده و از مخالفان، حوادث و جریان های واقعی سیاسی اسمی نبرند؛ چیزی نوشته می شد که مساله ای به وجود نیآورد. پنجه سانسور اجازه تبادل فکر نمی داد و محیط با حققان کامل توسط عوامل جاسوس و ساواک حفظ می شد.

قوه قضاییه نیز که بایستی مستقل، آزاد و عادلانه عمل کند، وظیفه اصلی خود یعنی رسیدگی به جرایم، انحرافات و مفاسد را، فراموش کرده بود. با گذشت سال ها چنان ضعیف شده بود که بیشتر دستورات مقامات قوه مجریه، دولت های فاسد و ساواک بر آن حاکم بود؛ مشاغل کلیدی در اختیار اشخاص فاقد صلاحیت قرار داشت و محدودیت های مختلف، کارایی قوه قضاییه را مختل کرده بود. بیشتر وزیران، مقامات دولتی و حکومتی و صاحبان نفوذ قدرت و ثروت، با عنوان سرعت در کار به دخالت در امور قضایی می پرداختند. قضات و مسوولان قضایی اگر به دستورات و نکات تحمیلی دولت و ساواک توجه نمی کردند و با چند دفعه احضار و جلب تسلیم سازمان امنیت نمی شدند، بدون سرو صدا از کار کنار گذاشته می شدند. قضات و عاملان قضایی هم که بر سر کار بودند برای ارتقای مقام و عنوان، چاپلوسی های بسیاری انجام می دادند و بسیاری از جنایات رژیم را تسهیل می کردند.

نبود احزاب مختلف و فعال نیز یکی از راه هایی بود که فساد مالی را تسهیل می کرد. اگر حزبی شکل می گرفت و طبق وظیفه خود، به رسواسازی فاسدان می پرداخت، بلافاصله نابود شده و اجازه ادامه حیات پیدا نمی کرد. البته جالب است بدانیم که یک حزب مطرح وابسته وجود داشت با عنوان «حزب رستاخیز» که توسط شاه و خاندان پهلوی پایه ریزی شد. علت تک حزبی بودن نیز مشکل سوءاستفاده های مالی بیان می شد، آنها ادعا می کردند تنها با حزب واحد این معضل رفع می شود. افراد و گروه ها مجبور به عضویت در این حزب بودند و کسانی که امتناع می کردند از حقوق اجتماعی خود محروم شده و گاهی حبس و شکنجه در انتظار آنان بود. حضرت امام (ره) با اعلامیه ای صریح برده از رسوایی ها و مفاسد صورت گرفته زیر لوای عضویت در حزب رستاخیز برداشتند و در ۲۸ صفر ۱۳۹۵ هجری قمری، به شدت حزب را زیر سوال بردند ایشان فرمودند: «اجبار مردم به تظاهر در موافقت و پایکوبی و جنجال در امری که مخالف خواسته آنهاست و اجبار ملت به ورود در حزب، نقض قانون اساسی است.» ایشان ورود افراد به این حزب را تحریم کردند. بنابراین، می توان گفت که رژیم سابق و وابستگان آن در فساد مالی و سوءاستفاده های بسیاری غوطه ور شده بودند و هیچ کس نمی توانست به مقابله با آنها بپردازد؛ همگان مسخ شده و در خواب غفلت فرو رفته بودند.

اما گذشت زمان مردم را بیدار کرد و روحانیت و مردم تمسک به ریسمان الهی بساط فساد و ارتشاء رژیم را برچیدند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم پهلوی با ابعاد و سیطره گسترده فسادش ابطال کرد. مقام معظم رهبری در توصیف وضعیت رژیم سابق چنین فرموده اند: «رژیم پهلوی با نابودکردن کشاورزی ملی وابسته کردن صنعت ناقص و معیوب و بازگذاشتن

دست بیگانگان حریص و دور کردن دربار و غارت منابع نفتی و بطل و بخشش ثروت ملی به اربابان امریکایی و اروپایی و ویران کردن روستاها و تبدیل ایران به بازار کالاهای بی ارزش خارجی و پیمانهای محصولات کشاورزی امریکا و برنامه‌های خائنانه دیگری از این قبیل، اقتدار کشور را دچار انحطاط مزمن و وابسته به دانه قدرت‌های خارجی کرده و رگ حیات ملت را به دست دشمنان سپرده بود.<sup>۳۱</sup> این بود که پایه‌های انقلاب شکل گرفت و با جدیت تمام به ثمر نشست. اما سوال مهمی که شاید در آذهان باشد، این است که چرا در ایران بعد از انقلاب همچنان شاهد بروز مفاسد مالی هستیم؟ هر چند این بحث مجال دیگری را برای پاسخ دادن می‌طلبد<sup>۳۲</sup> اما اشاراتی گذرا به این موضوع می‌کنیم. نخست این‌که به حمد الهی سران و مقامات طراز اول حکومتی از این مساله مبرا هستند و پیوسته در این خصوص گوشه‌دهایی می‌کنند. دیگر این‌که قوه قضاییه در ایران اسلامی مستقل و آزادانه عمل می‌کند. به شدت علیه مصادیق فساد مالی مبارزه می‌کند. سوم این‌که مطبوعات آزاد، جنبش‌های دانشجویی و نیز تعدد احزاب و در یک کلام جامعه مدنی موجود، مجال جولان به فاسدان نمی‌دهد. حال اگر فردی، گروهی و یا شخصیتی مرتکب اعمال اسد شد، چندین بحث مطرح می‌شود: نخستین و مهمترین آن این است که ارزش‌های اخلاقی و موزه‌های ممنوعی و دینی در او کم اثر و یا بی‌اثر شده‌اند از طرفی وجدان خفته او توانایی بیدار کردن او را ندارد. گر ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه پرفروغ باشد، خاص به خود اجازه ارتکاب مفاسد را نخواهد داد، چون ر جامعه دینی کنترل‌های درونی و بیرونی نقش اصلی بود را به خوبی ایفا می‌کنند. نکته دیگر این‌که شاید ملت اصلی ارتکاب مفاسد، فقر و اقتصاد نوپای کشور شد که با توجه به جوانی انقلاب، رفته‌رفته سایه شوم ابستگی سیاسی و اقتصادی رخت بر بسته و اقتصاد خلی با تکیه بر مردم و خداوند متعال شکوفاز می‌شود. سومین بحث نیز آن است که علت برخی از فاسد در عدم شفافیت قوانین و یا تعدد آنهاست که یستی در این خصوص نیز اقداماتی اساسی صورت یزد. چهارمین توضیح این‌که بسیاری از مفاسد مالی صورت گرفته ممکن است ریشه خارجی داشته باشند و بسط بیگانگان و دشمنان حمایت و پشتیبانی شوند؛ ضمن انقلاب سعی بسیار دارد با توسل به ترفندهای و ناگون جو فاسدی را در داخل رواج دهد. لازم است شه‌های این نفوذ به خوبی شناخته و به طور کامل از ن برود و نیز عاملان فاسد و وابسته رسوا شوند. حامی هموغم مسوولان حکومتی و دولتمردان ملکتی با ارائه قوانین و دستورالعمل‌های مختلفی، از مله تشکیل مستمر جلسات ستاد مبارزه با فساد مالی نیز تصویب قانون پول شویی و غیره بر این است که مصادیق فساد از جامعه اسلامی رخت بر بندند، چرا که امعه اسلامی ما دنباله‌روی حکومت دینی و جامعه نوی است. شایسته آن که هدف اصلی مردم و سوولان در راستای کم‌کردن فاصله طولانی با جامعه مانی علوی باشد و البته این، کاری بس عظیم و مهمترین بخش انجام اصلاحات در کشور ما بایستی اززه با فقر، فساد و تبعیض باشد.»

۱. ر.ک. به: فریبون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج. ۱، مهران انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۵، ص ۹.  
 ۲. ر.ک. به: مهدی رهبری، اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۹۱.  
 ۳. نمونه‌هایی از این نظرات را در منابع زیر جست‌وجو کنید: نیکی آر، کدی ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵؛ همچنین: سایروس ونس و برژینسکی، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرقی، انتشارات هفته، تهران، ۱۳۶۲؛ نیز: فرد هالییدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.  
 ۴. سقوط شاه، ص ۹۲.  
 ۵. این بحثه نظر آنتونی پارسونز است که در خاطرات خود در دوران سفارت خود (سفیر کبیر انگلیس) آورده است:  
**Anthony Parsons, The Pride and the Fall: Iran 1974-1979, London, 1984, PP. 15, 28.**  
 ۶. مثالی در این زمینه را در کتاب زیر ببینید: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴، جلد اول، ص ۵۷۲.  
 ۷. برای ملاحظه برخی از نمونه‌های فساد مالی در ایران قدیم، ر.ک. به: حسن دادگر، فساد مالی: زمینه‌ها، عوامل و راه‌کارهای خلاصی، به سفارش کانون اندیشه جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، در دست چاپ.  
 ۸. در تاریخ می‌خوانیم که دستور دانه شد دور سر حاکم خراسان را خمیر بگیرند و سرب مناب در آن بریزند تا او مجبور شود جواهرات نادری را به آغا محمدخان قاجار بدهد؛ ر.ک. به: سیدجلال‌الدین مندی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۵، جلد اول، ص ۲۳.  
 ۹. ر.ک. به: تاریخ تمدن ویل دورانت، ترجمه گروهی از نویسندگان انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، جلد ششم، ص ۸۲۲.  
 ۱۰. مثال‌هایی در این باره را در ماخذ زیر ببینید: مهدی پاملاند، شرح حال رجال ایران، انتشارات زوار، تهران، بی‌تا، جلد اول، صص ۲۰۹ و ۵۱۴.  
 ۱۱. ر.ک. به: نغمه‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، بدون ناشر، ۱۳۵۷، جلد اول، ص ۱۲۷.  
 ۱۲. برای بررسی‌های بیشتر در این زمینه ر.ک. به: مرضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹، جلد چهارم، صص ۱۳۰ و ۱۳۹. جلد دوم، صص ۳۹۷-۳۹۸-۵۱۴.  
 ۱۳. همچنین در تاریخ آمده که وقتی ناصرالدین شاه دستور قتل امیرکبیر را صادر کرد، با نقشه قبلی و حيله اطرافیان، در حال مشاهده با یکی از زنان خود بوده است و اطرافیان با این ترفند مانع بزرگ خود را که همانا امیرکبیر بود از میان برداشتند؛ ر.ک. به: تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، صص ۵۴-۵۹.  
 ۱۴. ر.ک. به: زولیان باری‌یر، اقتصاد ایران (۱۳۳۹-۱۳۷۹)، ترجمه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسي، انتشارات سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۹۷.  
 ۱۵. مرگ آنها توسط آمبول هوا و یا ماندن در سلول‌هایی پر از پیش‌آلوده به بی‌فوس شکل می‌گرفت که به طور کامل مرگی طبیعی وانمود می‌شد؛ ر.ک. به: تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، صص ۳۷۱-۳۷۰.  
 ۱۶. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، ص ۲۹۷.  
 ۱۷. کانون اندیشه دانشجوی مسلمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، فساد مالی در حاکمیت، انتشارات موسسه فرهنگی خانه خرد، قم، ۱۳۸۰، ص ۵۸.  
 ۱۸. فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی به تفصیل در این‌باره سخن گفته است؛ از جمله در این کتاب آمده که ممکن بود برای یک مشوقه یک میلیون تومان هم بدهد و اگر زیبا و باارزش بود، در ماه ۱۰ میلیون در قالب جواهرات قیمتی به او رشوه می‌داد. برای بررسی‌های بیشتر، ر.ک. به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، صص ۴۸، ۵۰، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹.  
 ۱۹. واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی سازمان اوقاف و امور خیریه، رشوه: پدیده شوم اجتماعی، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۹۰.  
 ۲۰. برای ملاحظه موارد بیشتر، ر.ک. به: غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، موسسه خدمات فرهنگی رسه تهران، ۱۳۷۷، جلد اول، صص ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۴۶، ۵۴۷.  
 ۲۱. ر.ک. به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، صص ۵۷۳ و ۵۷۲.  
 ۲۲. پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمندی و دیگران، چاپ سوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰.

۲۳. توضیح این‌که این میزان تنها دارایی‌ها و سرمایه‌های داخلی آنان بود و میزان پول‌های سرمایه‌گذاری شده در خارج و بانک‌های خارجی را اگر به این دارایی‌ها بیفزاییم، در تصور نمی‌گنجد، ر.ک. به: ماخذ زیر:  
**Robert Graham; Iran: The Illusion of Power, St. Martion,s, Newyork, 1980, PP. 25-588255-258.**  
 ۲۴. به منظور بررسی‌های بیشتر، ر.ک. به: ایران بین دو انقلاب، ص ۴۰۱؛ همچنین: سقوط شاه، ص ۱۴۷؛ نیز: محمد حسین هیکل، ایران، روایتی که ناگفته مانده ترجمه حمید احمدی، نشر الهام، تهران، بی‌تا، صص ۲۱۴، ۲۱۵-۲۱۶.  
 ۲۵. احمدعلی مسعودانصاری، من و خاندان پهلوی، تنظیم و نوشته محمد برقی و حسین سرفراز، نشر پیکان-تهران، ۱۳۷۶، چاپ پنجم، ص ۱۱۶.  
 ۲۶. ر.ک. به: ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخیر، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، تهران، زمستان ۱۳۷۰، صص ۱۲۶-۱۲۳.  
 ۲۷. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، ص ۱۶۶.  
 ۲۸. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، صص ۲۳۸-۲۳۱.  
 ۲۹. از دیگر کسانی که در این امر فعالیت داشته، محمودرضا- یکی از برادران شاه - بود که به او اجازه داده بودند در امر کشت تریاک و فروش محصولات افیونی فعالیت داشته باشد؛ ر.ک. به: سقوط شاه، ص ۹۴.  
 ۳۰. وقتی در زمان نخست‌وزیری هویدا از او پرسیده می‌شود که چرا با تاجر فاسد مبارزه نمی‌کنید، می‌گوید: «چه فایده‌ها چون آب از سرچشمه گل‌آلود است و اگر قصد مبارزه با این مفسدین باشد باید از بالا شروع کرد و اول از همه شاه خانواده و اطرافیان را به محاکمه کشید. اگر هر کار دیگری هم غیر از این انجام شود، بی‌نتیجه است؛ سقوط شاه، ص ۹۰.  
 ۳۱. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، جلد دوم، ص ۱۴.  
 ۳۲. ر.ک. به: حسن دادگر، ارزیابی رابطه با امریکا از دیدگاه اقتصادی، به سفارش کانون اندیشه جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱، صص ۳۵، ۳۵-۳۶.  
 همچنین در تاریخ آمده که: «در اوج بحران اقتصادی کشور، در سال ۱۳۵۵ مبلغ ۱۲ میلیارد دلار از امریکا سلاح خریداری شد؛ بین سال‌های ۵۶-۱۳۵۰ حدود ۲۰ درصد درآمد‌های نفتی صرف خرید تسلیحات شد که تقریباً نیمی از سلاح‌های فروخته شده امریکا به تمامی دنیای خارج را شامل می‌گشت؛ جان فوران، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تئین، موسسه خدمات فرهنگی رسه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۱۲. ۳۳. برای بررسی‌های بیشتر، ر.ک. به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، ص ۲۷۱.  
 ۳۴. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، ص ۲۶۶.  
 ۳۵. ر.ک. به: تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، ص ۱۸۵.  
 ۳۶. ر.ک. به: اقتصاد و انقلاب اسلامی، ص ۲۱۲؛ همچنین: تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، صص ۵۸۰-۵۸۹.  
 ۳۷. ر.ک. به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، ص ۳۷۵.  
 ۳۸. برای بررسی بیشتر و مشاهده نمونه‌هایی از این دسته، ر.ک. به: خاطرات فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی که در دو جلد گردآوری شده است.  
 ۳۹. ر.ک. به: ایران بین دو انقلاب، ص ۴۱۱، به نقل از ماخذ زیر:  
**A. Mansur; "The Crisis in Iran", Armed Forces Journal International, January 1979, PP. 33-34.**  
 ۴۰. این مطلب را «مارلو» سفیر امریکا در ایران بیان داشته است؛ ر.ک. به:  
**J. Mrlow; Iran: A Short Political Guid, Pall Mall, London, 1963, P. 119.**  
 ۴۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روزنامه جمهوری اسلامی، موزخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۴، ص ۲.  
 ۴۲. نگارنده در کتابی با عنوان «فساد مالی: زمینه‌ها، عوامل و راه‌کارهای خلاصی» به تفصیل در این‌باره بحث کرده است. این کتاب که در دست چاپ است، می‌تواند به این سوال پاسخی مقتضی بدهد.  
 حاکمان قاجار برای پرشدن خزانه دولت، هر ساله حکام ایالات را تغییر می‌دادند و از این انتصابات رشوه‌های فراوانی می‌گرفتند. حاکمان محلی نیز کارهای اداری را به اشخاص متمول می‌فروختند و از این راه بر اموال عمومی قیومیت داشته و چپاول‌های بسیار می‌کردند.